جستجو برای ایده اصلی در داستان

شیرازی، کامیار

تی.اس.الیوت در سال 1918 درباره هنری جیمز نوشت:

«او دارای فکر و ذهنی بس عالی بود که هیچ ایده و اندیشه‏ای نتوانست در آن اختلال ایجاد کند.» در آن زمان بسیاری براین باور بودند که جمله الیوت حالت شعارگونه داشت.درهرحال هنگام نوشتن داستان یا رمان، نویسنده نیازمند دستیابی به ایده و اندیشه اولیه است.شیوه به‏دست‏آوردن ایده اصلی برای برخی از نویسندگان بسیار ساده و راحت‏ به‏نظر می‏رسیده است.آنان معتقد بودند که با یک نظر به اطراف به‏راحتی می‏توانستند به ایده‏ای بسیار بزرگ دست یابند.اصولا هر انسانی پس از مواجه شدن با هر رویداد و حادثه‏ای در ذهنش سئوالاتی نقش می‏بندد.این سئوالات یا به جوابهای دقیق و حساب‏ شده‏ای منجر می‏گردد یا خیر،گاه اتفاق افتاده که پاسخ به چنین سئوالاتی منجربه کسب یک ایده یا اندیشه جدید گشته است.از این‏رو برخی از نویسندگان با استفاده از عنصر سئوالات براحتی به ایده اصلی داستانی خود دست می‏یابند.

شش سئوال اصلی

به‏طور معمول شش سئوال عمده وجود دارد که در امر کشف ایده می‏تواند مفید باشد.البته در این راه تنها طرح سئوال کافی نیست بلکه نویسنده‏ باید درپی پاسخگویی به سئوالات باشد.در هنگام‏ پاسخگویی به این شش سئوال یا حتی سئوالات‏ دیگر باید چیزی را از قلم نینداخت و به جزئی‏ترین‏ مسائل هم توجه داشت.نکات مهم و اساسی که‏ همواره باید نویسنده از خود بپرسد عبارتند از:چه‏ طور؟چه‏کسی؟چرا؟چگونه؟چه‏موقع؟کجا؟

پرورش ذهن دراثر مطالعه

در این دوره که تلویزیون بر تمامی اوقات‏ فراغت ما در خانه سلطه کامل پیدا کرده است،ما باید با تلاش بسیار درصدد باشیم تا زمانی را برای‏ خود دست‏وپا کنیم تا به امر مطالعه کتاب بپردازیم. البته نویسنده می‏تواند با مشاهده تلویزیون هم به‏ ایده اصلی داستانیش دست یابد،اما این شیوه آنچنان‏ تأثیرگذار نخواهد بود،و این مطالعه کتاب است که‏ می‏تواند بسیار مفید واقع گردد.دراین‏راستا،مطالعه‏ داستان و آثار غیرداستانی مانند مقاله و تحلیل در روزنامه،مجله‏و...به نویسنده کمک می‏کند تا اطلاعات خود را نسبت‏به دنیای روبه‏رشد و دگرگونی،تازه و جدید نگاه دارد.

باتوجه به علاقه نویسنده به یک یا چندنوع‏ ادبی او می‏تواند در همان وادی،آثار نویسندگان‏ مختلفی را مطالعه کند.یک نویسنده برای یافتن‏ موضوع و ایده اصلی داستان خود می‏تواند به آثار مشابه آثار خود مراجعه کرده و آنها را بادقت مطالعه‏ کند.به‏طورمثال گاه دیده شده که یک موضوع‏ بسیار فرعی در یک رمان برای نویسنده دیگری‏ می‏تواند ایده اصلی برای یک شخص به‏ حساب آید.در هنگام مطالعه آثار سایرین،نویسنده‏ می‏بایست عمیقا به مسائل مختلف توجه داشته‏ باشد و تنها به دنبال پیگیری حوادث داستانی نباشد.

نظاره‏گر مردم و مکانهای مختلف بودن

جهان در قرن حاضر به مکانی بس شلوغ و جنجال‏برانگیز مبدل گشته است.آنچه مقابل دیدگان‏ انسان روی می‏دهد می‏تواند در ذهن او بی‏نهایت‏ طرح اولیه و صحنه تداعی کند.البته اگر با دیدی‏ موشکافانه و دقیق به مسائل پیرامون خود توجه‏ کنیم.اصولا مشاهده،یکی از ابزارهای اصلی کشف‏ جهان است.به‏عنوان شاهد جهان،نویسنده‏ می‏بایست راه‏حلهای مختلفی را دنبال کند. نویسنده همچنین باید از قدرت تخیل خود استفاده کند و سعی کند مکانهایی را که قبلا دیده‏ در ذهن مجسم کند.یکی از بهترین راههای خوب‏ دیدن این است که به صحنه‏ها و مناظر به‏گونه‏ای‏ نگاه کنیم گویی فردایی درکار نیست و این آخرین‏ باری است که آن را می‏بینیم.به‏طورمثال اگر قرار باشد برای آخرین بار به خورشید نگاه کنید چگونه‏ خورشید را می‏بینید؟بدین‏ترتیب نویسنده می‏تواند زاویه دید وسیعی به‏دست آورد و حتی شخصیتهای‏ داستان او نیز واقعی‏تر جلوه می‏کنند و باورپذیرتر می‏گردند.

نویسنده کارآزموده با دقت و وسواس تمام به‏ رفتار،شیوه صحبت کردن،نوع نگاه،ظاهر مردم و طرز لباس پوشیدن آنها توجه می‏کند و سعی دارد آنها را یادداشت کند.نویسنده می‏تواند در یک جا بایستد و ساعتها رفت‏وآمد مردم را بنگرد. اتوبوس،فرودگاه،مغازه و اداره،مکانهای مناسبی‏ برای به‏دست آوردن ایده مناسب واطلاعات جزئی‏تر هستند.نویسنده مدام هنگام رؤیت مردم و واکنش‏ آنها می‏بایست از خود چیزهای بسیاری بپرسد. چرا چنین کاری را انجام می‏دهند؟چرا خوشحال‏ هستند؟چرا ناراحت به‏نظر می‏رسند؟آیا در تعطیلات‏ به سر می‏برند؟اهل کجایند؟نویسنده همچنین‏ می‏بایست جواب سئوالات خود را یادداشت کند.

اصوات

در هر داستانی توصیف اصوات بسیار حائز اهمیت است.آنها می‏توانند به صحنه‏های داستانی‏ شکل مناسب بدهند.خواننده داستان می‏بایست‏ هنگام مطالعه،زندگی را در بطن اثر درجریان ببیند. او باید برای درک جهان و حوادث مختلف آن،از پنج حس خود استفاده کند.بهره‏وری از این حواس‏ باعث می‏گردد تا داستان درنظر خواننده حقیقی‏تر جلوه کند.بهتر است نویسنده گاه در مکانی توقف‏ کند.چشمان خود را ببندد و ازطریق حس شنوایی‏ به درک پیرامون خود مبادرت ورزد.چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟با درست شنیدن اصوات نویسنده‏ می‏تواند بر آگاهی و بینش خود بیفزاید و قادر خواهد بود جزئیات صوتی لازم در داستان را تشریح کند.

خواب و تخیل

خواب می‏تواند عامل خوبی برای یافتن ایده‏های‏ اصلی به‏حساب آید.وقتی انسان در خواب است، ذهن آزاد است به هر مکانی که می‏خواهد می‏رود. برخی معتقدند که خواب چونان پنجره‏ای است که‏ بر درون و روح انسان.اگر چنین سخنی درست باشد پس نوشتن خوابها می‏تواند بهترین راه برای شناسایی‏ مکنونات قلبی باشد،باید دید در هنگام خواب دیدن‏ به چه چیزهایی حساسیت دارید و چه چیزهایی‏ باعث بروز حالات و احساسات گوناگون در شما می‏گردد؛ازاین‏رو بر نویسنده واجب است تا با یادداشت کردن خوابهای خود به ایده‏های اصلی‏ داستانی خود دست یابد و از درون خود مطلع گردد. تخیل و رویا هم می‏تواند راه‏حل مناسبی برای‏ کسب ایده جدید به‏حساب آید.هر انسانی در مقاطع‏ مختلف به دنیای تخیل و رویا وارد می‏شود.این امر باید آگاهانه صورت پذیرد و انسان نباید در مواقعی‏ که نیازمند دقت و توجه است به دنیای تخیل‏ ناخواسته وارد شود.نویسنده می‏بایست برای ورود آگاهانه به دنیای تخیل زمان مناسبی را درنظر بگیرد.او حتی می‏تواند چشمان خود را ببندد و به‏ دقت به تجسم بپردازد.پیش از نگارش یک صحنه‏ و یا فضای داستانی نیز به نویسنده توصیه می‏شود چشمان خود را ببندد و مکانی را که قرار است توصیف‏ کند در ذهن بازسازی کند.

مسافرت

مسافرت نیز یکی از بهترین ابزارها برای‏ نویسنده به‏حساب می‏آید تا از آن‏طریق به کسب‏ ایده اصلی دست یابد.اصولا انسان اسیر عادات‏ است،عادت به محیط باعث می‏گردد تا انسان نتواند بدرستی پیرامون خود را بنگرد.

به اشیاء مردهء خانه خود توجه کنید،چندسال‏ است که تابلوی روی دیوار را نگاه نکرده‏اید؟خیابانها و مردمی که می‏شناسید چگونه هستند؟انسان برای‏ رویت مجدد اشیا باید عادات را دگرگون سازد.به‏ طور مثال تغییر مکان اشیاباعث می‏شود تا آنها را باز مشاهده کنیم.مسافرت نیز این امکان را به ما می‏دهد تا به‏دقت به اطرافمان نگاه کنیم،چراکه‏ ما غالبا به مکانهایی نگاه می‏کنیم که پیشتر آنها را ندیده‏ایم.

درعین‏حال که مسافرت این امکان را در اختیار نویسنده می‏گذارد تا با انسانهای تازه و حوادث‏ جدید مواجه گردد تا در این راستا موضوع و ایده‏های‏ اصلی خود را شکار کند.درعین‏حال که مسافرت‏ بر تجربه نویسنده می‏افزاید.

منبع:

Tips for NovelṣKrista Barrett.